



بانک الله!

آه از این زشتان که مهرو می‌نمایند از نقاب
از درون سو کاهتاب و از برون سو ماهتاب

پس از افشاگری‌های بنی‌صدر در مورد طرفداری خمینی از کودتای آنگلو ساکسون‌ها در سال ۱۳۳۲، پاسدار شریعتمداری هم به نوبه خود پتۀ رهبر فرزانه را به آب انداخت و معلوم شد علی‌خامنهای برخلاف ادعای بوق‌های استعمار در سنگر موسوی و کروبی از آشوب‌های «پس‌افتضاحات» پشتیبانی می‌کرده. البته ما پیشتر گفته بودیم که رهبر فرزانه به دلیل همدستی با طاعون سبز یک هفته خفقان اختیار کردند، تا شاید با یک حرکت «مردمی» زیر پای احمدی‌نژاد را کشیده، دست در دست موسوی «محبوب» و «مردمی» در کمال افتخار روابط پنهان با آمریکا را آشکار کنند! ولی دچار توهم



نشویم، خامنه‌ای در اینگونه موارد تصمیم گیرنده نیست! به هیچ عنوان! برنامه «حرکت مردمی» در اتاق «فکر» اربابان طراحی شد و رهبر فرزانه، همچون دیگر مقامات حلقه به گوش حکومت بسیار «مستقل» فقط مجری و فرمانبردار بودند. باری در این گیرودار، «زاکانی»، یکی دیگر از «مقامات» جمکران هم ادعا کرده، طبق یک نظرسنجی، «انتخابات» یا بهتر بگوئیم «بیعت» به دور دوم کشیده می‌شد. و از همه جالب‌تر داس‌الله است که باز هم برای «پیروزی مردم» و گسترش سرکوب، تحلیل کشکی ارائه می‌دهد.

بله، اوضاع همچنانکه می‌بینیم بسیار وخیم است. و اما آنچه در آشفته بازار افشاگری گورکن‌ها هرگز به زیر سؤال نمی‌رود، همان «آمار ارباب»، یعنی «مشارکت ۸۵ درصدی» در مسابقات مارگیری است. چرا که این آمار در واقع «الهی» است، درست مثل آیات قرآن که جبرئیل سلام‌الله به فرمان «الله» به محمد رسول‌الله تحویل داد. چه می‌گوئیم؟ آمار ارباب از آیات کذا هم محکم‌تر است چرا که تفسیربردار نیست! اگر آیات خداوند را می‌توان تفسیر کرد، آمار خداوند را نمی‌توان. به یاد داریم «نیویورک‌تایمز» تلاش داشت با «تفسیر» آیات قرآن از زبان لاله بختیار، حقوق زنان را در اسلام کمی افزایش دهد و آنان را از «حق طبیعی» کتک خوردن از جنس مذکر محروم کند! خوشبختانه موفق نشد؛ مگر می‌توان زنان «مومن» و «متدین» و مسلمان را از حقوق‌شان محروم کرد؟ به هیچ عنوان. و در راستای تأمین همین

«حقوق» است که در شهر «متمدن» و «مترقی» نجف یک «بانک زنانه» به نام «بایبلون» افتتاح شده!

بله مناطق شیعه نشین عراق همچنانکه می‌دانیم تحت نظارت آنگلساکسون‌های این‌سوی آب قرار دارد و اینان به دلیل اوباش‌پرستی و علاقه به اندرونی و حرمسرا تصمیم گرفته‌اند اندرونی را بدون دخل و تصرف به «بیرون» انتقال دهند. نتیجه این «پیشرفت‌های» اجتماعی همانطور که اوباش حکومت اسلامی در بوق می‌گذارند تقویت «حضور زن» در جامعه است، البته نه حضور هر زنی، که حضور زنان اندرون. به این ترتیب است که می‌توان در عراق، حقارت و ذلت و بندگی را به «الگو» تبدیل کرد. بانک کذا، یک «اندورنی» است که در خیابان شعبه زده. کارمندان بانک همه مؤنث و محجبه‌اند، و هیچ مردی هم حق ورود به این بانک حسینی را ندارد، به احتمال زیاد مشتریان بانک نیز همچون کارمندان حجاب‌شان را رعایت خواهند کرد. اوباش‌الله مقتدی‌صدر مراقب نوامیس اسلام خواهند بود. جالب این است که در بانک کذا ریاست و نگرهبانی با مردان است؛ زنان فقط در این بانک «کار» می‌کنند، مسلماً با حقوق کمتر از کارمندان دیگر بانک‌ها! از امتیازات زنان «بانک‌الله» این است که رئیس و نگرهبانان حق ورود به بانک را ندارند. البته «این انگلیسی‌های چش‌چپ» یک نکته مهم را در این ساختار پیشرفته و بسیار «دمکراتیک» نادیده گرفته‌اند، و آنهم حضور چند «خواجه» و غلام «اخته» جهت حفظ نظم درون

«مرغدانی» است. به این ترتیب که پیش می‌رویم ممکن است مقام و مرتبه‌ی خواجگی هم نصیب تونی‌بلر، نخست‌وزیر سابق حزب کارگر شود. از مطلب دور افتادیم بازگردیم به افشاگری کیهان، مورخ ۲ آذرماه ۱۳۸۸ در مورد علی‌خامنه‌ای.

پاسدار شریعتمداری در «خبر ویژه»، به نقل از «منتج‌نیا» می‌نویسد، نامزدهای معترض پس از اعلام نتایج «انتخابات» با خامنه‌ای تماس گرفته و رهبر فرزانه به آنان گفته، هر حرفی دارید بزنید. «منتج‌نیا» می‌افزاید، ما دلائل‌مان را ارائه کردیم، قرار شد یک کمیته‌ی حقیقت‌یاب انتخابات را مجدداً بررسی کند، خامنه‌ای هم از این پیشنهاد استقبال کرد. ولی بعد مسائل دیگری پیش آمد و «رهبر» موضع گرفتند و گفتند، انتخابات هیچ اشکالی نداشته. پیش از ادامه‌ی مطلب یادآور شویم آخوند منتج‌نیا همان دستاربندی است که مصاحبه‌ی خود را با رادیوفردا تکذیب کرده بود، و رادیوفردا برای اثبات دروغگوئی ایشان به ناچار نوار متن مصاحبه‌اش را پخش کرد. این مختصر را گفتیم تا روشن شود «منتج‌نیا» همچون دیگر گورکن‌ها دروغگو و اهل تقیه و پفیوزی است. در ضمن پاسدار شریعتمداری هم در دروغ‌پردازی دست کمی از دیگران ندارد. اما آنچه اهمیت دارد «انتشار» سخنان منتج‌نیا در روزی‌نامه‌ی کیهان است. روشن‌تر بگوئیم پاسدار شریعتمداری با پخش سخنان منتج‌نیا همان می‌گوید که ما شش‌ماه پیش در همین وبلاگ‌ها گفته بودیم.

خبرویژه کیهان از زبان منتج‌نیا می‌گوید، خامنه‌ای نسبت به طرح اعتراض کروی و موسوی نظر مثبت

داشته و بعد تغییر عقیده داده. ما هم چند روز سکوت خامنه‌ای را دلیل رضایت او و اربابان‌اش از آشوب‌ها دانستیم و گفتیم برخلاف خطبه‌ی مقام معظم، اگر قرار بر رعایت قانون می‌بود، وزارت کشور و نیروهای انتظامی وظیفه داشتند همان روز نخست یعنی ۲۳ خردادماه سال جاری نسبت به هرگونه تجمع غیرمجاز هشدار دهند، ولی شاهدیم که چنین نشد! علاقه‌ی رهبر فرزانه و سرداران به حفظ نظم و پاسداری از قانون یک هفته پس از مسابقات مارگیری بروز کرد! حضرات ظاهراً خواب بودند یا قانون و مقررات نیم‌بندشان را فراموش کرده بودند! یک هفته پس از انتخابات کذا مقام معظم دریافتند که باید «آبروی‌شان» را در گرو «رعایت قانون» بگذارند! خلاصه اگر ۶ ماه پیش مقامات و سرداران و لباس‌شخصی‌ها با قانون و مقررات خودشان بیگانه بودند، امروز گویا هر کس قانون اساسی کذا را قبول داشته و از نقض آن جلوگیری کند، «بسیجی» به شمار می‌رود.

امروز اتفاق عجیبی افتاد! پاسدار رحیم‌صفوی در «ایلنا»، مورخ دوم آذرماه سال‌جاری، ضمن تأکید بر اینکه بسیج تحت فرماندهی دولت نیست، از «بسیجیان» خواسته هر کجا که هستند با «نقض قانون اساسی» مبارزه کنند! اینکه پاسدار رحیم‌صفوی هم‌صدا با موسوی، خاتمی و کروی سنگ قانون اساسی را به سینه می‌زند نشان می‌دهد شکاف در حکومت جمکران ممکن است کار را به درگیری‌های درون جناحی بکشاند. رحیم‌صفوی تلویحاً احمدی‌نژاد را تهدید می‌کند که در صورت «نقض قانون

اساسی» یا بهتر بگوئیم در صورت حرکت در جهت مخالف گروه موسوی، با اوباش حلقه بگوش سفارت کذا روبرو خواهد شد. بله، پاسدار رحیم صفوی که روزگاری جهت بازار گرمی برای دارودسته محمد خاتمی نقش مخالف اصلاح طلبان را ایفا می کرد، و بجز قانون اساسی مزدوری و نوکری هیچ قانونی نمی شناسد، امروز هم صدا با ملا محمد خاتمی مدافع «قانون اساسی» چاه جمکران شده. ایلنا، مورخ دوم آذرماه سالجاری در خبری با کد: ۹۱۶۰۱ به نقل از رحیم صفوی می نویسد:

«[دستیار ارشد خامنه ای گفت] هر کس در هر نقطه ای از ایران به قانون اساسی اعتقاد داشته باشد [...] بسیجی محسوب می شود [...] بسیج [تحت فرماندهی رهبر] است، نه دولت [بسیج از مصوبات شورای عالی امنیت که به تأیید خامنه ای برسد] اطاعت می کند [...]»

بله! قانون اساسی جمکران یعنی مشتی روایت و قصص آمیخته به قوانین مدنی که سی سال است اجرا نشده، ناگهان نزد لات و چاقوکش های «بیت رهبری» تقدس یافته، عزیز و گرامی و محترم شده. به همین دلیل مشاور ارشد خامنه ای در امور چماقداری نیز بجای تقاضای «رعایت» قانون کذا، «اعتقاد» به آن را الزامی دانسته! می دانیم که مشاوران رهبر فرزانه، همگی همچون مقام معظم از طویله استعمار بیرون کشیده شده اند، در نتیجه برای ترهات رحیم صفوی علامت تعجب هم نمی گذاریم. همچنانکه برای سخنرانی مضحک عیال احمدی

نژاد در ایتالیا. «فرست لیدی» در نشست «اف. آ. او» با چادر سیاه حضور یافتند، تا پیشرفت های زن ایرانی را به جهانیان ثابت کنند. ایشان که اصلاً قرار نبود سخنرانی بفرمایند، در حاشیه نشست کذا یک سخنرانی مبسوط ایراد کرده، جهانیان را فرا خواندند تا از «الگوی تغذیه خانوار» در جمکران پیروی کنند که بسیار موفق است. «جهانیان» هم طبق معمول، کف زدند، فیلم و عکس گرفتند و آگاهی و خرد و هوش و فراست و بلاغت «فرست لیدی» جمکران را ستودند، بعد هم در گزارش های شان گفتند، ۴۰ درصد ایرانیان زیر خط فقر زندگی می کنند. خلاصه مقامات و نخبگان جمکران اسباب تفریح اربابان در غرب شده اند. همین روزهاست که یکی از همین بنیادهای بی بنیاد به «فرست لیدی» جمکران به دلیل ایراد چنین سخنان ابلهانه ای چندین و چند جایزه در زمینه هنری، فیلم سازی و فیلم بازی و فن بیان هم اعطا کند. البته اشتباه نکنیم، در جمکران از این قماش «نوابغ» فراوان اند. از آن جمله اند، عوام گرایان «چپ نما»، یا همان داس الله که تجلی وقاحت آخوندیسم و شقاوت استالینیسم اند از اینرو آنان را «آخ تالینیست» بنامیم که «حق مطلب» را ادا کرده باشیم!

عاشق چادر مباحش و خر مران در آب و گل تا نمانی ز آب و گل مانند خر اندر خلاب

ویژگی «آخ تالینیست ها»، سفسطه و مغلطه جهت فریفتن شوت و پرت هاست. در این راستا بهتر است



است که تحلیل‌گر خود را همچون داور مسابقه «فرانسه - ایرلند» به کوری بزند، این همان کاری است که «داس‌الله» در آن «فوق تخصص» دارد.

چون به سگ نان افکنی، سگ بو کند آنگه خورد سگ نه‌ئی شیری چه باشد بهر نان چندین شتاب در هر آن مردار بینی رنگی گوئی که جان جان کجا، رنگ از کجا، جان را بجو، جان را بیاب

کوری مصلحتی فواید و نعمات بسیار می‌تواند داشته باشد. هفته گذشته مربی تیم فرانسه از برکت کوری مصلحتی داور مسابقه حدود ۹۰۰ هزار یورو «پاداش» دریافت کرد! مسلماً حق و حساب داور نابینا را پیش از مسابقه پرداخته بودند، اگر نه پیروزی تیم فرانسه به شکست تبدیل می‌شد. «آخ‌تالین‌های» جمکران هم حق و حساب می‌گیرند، تا نقش همان داور کور را ایفا کنند. به این ترتیب اربابان‌شان در لندن و واشنگتن در بازی فوتبال با دست به ما ملت گل می‌زنند و بازی را به نفع خود «تمام» می‌کنند. خواهر سپیده می‌پرسند، ممکن است از ما انتقاد کنند و بگویند، چگونه «چپ» می‌تواند از مطالباتی دفاع کند که نتیجه آن به نفع امثال بهرمانی تمام می‌شود؟ البته نگران نباشیم، ایشان پاسخ به این نوع پرسش‌ها را در آستین حاضر و مهیا دارند، و بجای آنکه برچسب «چپ» را از پیشانی برداشته، همانچه هستند، یعنی «چپ‌نما» و فاشیست را بجایش بچسبانند، می‌فرمایند، در صورت «پیروزی مردم» حکومت اسلامی نمی‌تواند

نگاهی به مقاله «خواهر» سپیده صلح‌جو داشته باشیم که در سایت «اخبارروز»، مورخ اول آذرماه سالجاری انتشار یافته. مقاله کذا طبق سنت رایج آخ‌تالین‌هاست یک تحلیل بی‌اساس و گنگ و مبهم و به ویژه کشکی از شرایط ایران ارائه می‌کند، و در کمال بی‌شرمی خواهان برگزاری «انتخابات آزاد» در حکومتی می‌شود که بنا بر تعریف اصولاً نمی‌تواند انتخابات داشته باشد و برگزاری مراسم انتخابات در آن جز یک شبیه‌سازی مضحک برای فراهم آوردن خوراک رسانه‌های غرب نبوده و نیست. باری، خواهر سپیده همچون دیگر رفقای‌شان، در تحلیل عمیق خود اصلاً فراموش می‌کنند که ایران در یک فضای خیالی، خارج از زمان و مکان قرار نگرفته، و سیاست‌های جهانی نیز بر آن حاکم‌اند! البته جای تعجب نیست!

«داس‌الله» فقط در یک کشور «یوتوپیک» مسائل و مشکلات را «مشاهده» و بررسی می‌کند، چرا که اگر بخواهد واقعیات زمان و مکان را در نظر بگیرد، از لاشه آخوند و تابوت استالین فاصله خواهد گرفت، و ممکن است به نوع آدمیزاد نزدیک شود. در اینصورت ناچار خواهد بود با رها کردن شیوه عوام‌فریبی و شعارهای پوچ، تحلیل «منطقی» هم ارائه کند؛ و این امر هیچ به «مصلحت» و «ترخ‌روز» نیست! در عمل اگر کسی بخواهد ویژگی شرایط اقتصادی حکومت جمکران را به صورت خلاصه بیان کند، ارتباط این حکومت با کشورهای حوزه دلار، خصوصاً با اتحاد جماهیر نوکری کفایت خواهد کرد. واردات ۵۴ هزار دسته بیل کذا از اندونزی را فراموش نکنیم. اما برای نادیده انگاشتن ارتباط دولت جمکران با کشورهای حوزه دلار فقط لازم



خود را به صورت گذشته بازسازی کند! مسلماً چنین پیشگویی‌هایی بدون گوی بلورین امکانپذیر نخواهد بود:

«دوستانی به این دیدگاه ما انتقاد خواهند داشت که [...] چگونه چپ می‌تواند از خواستی دفاع کند که به نفع اشخاصی نظیر رفسنجانی تمام شود؟ به نظر ما جمهوری اسلامی [...] در صورت پیروزی مردم و بدست آوردن این خواست [انتخابات آزاد] امکان بازسازی خود به شکل قبل را هرگز بدست نخواهد آورد.»

باید بپذیریم که حداقل نیمی از ادعاهای خواهر سپیده درست است، واقعیت این است که حکومت اسلامی سیر قهقرائی می‌پیماید و هرگز نمی‌تواند آرایش نخستین روزهای کودتای بهمن‌ماه ۱۳۵۷ را به دست آورد. ولی اشکال تحلیل این خواهر آختالینیسست و فرهیخته این است که نمی‌گوید در صورت «پیروزی مردم»، جناح خط توحش امام با تکیه بر مشروعیت ۸۵ درصدی اهدائی ارباب با قدرت تمام سرکوب همه جانبه مخالفان «خط توحش» را آغاز می‌کند، و هیچیک از مدافعان حقوق بشر در غرب به این سرکوب‌ها اعتراض نخواهد داشت، درست همچون دوران «نورانی» خمینی که تبلیغات رسانه‌های غرب همه «مردم» ایران را طرفدار اسلام و رهبر کذا معرفی می‌کرد و افکار عمومی جهان با تکیه بر «اجماع» فرضی مردم چنین برداشت می‌کرد که همین «مردم» از سرکوب‌ها و وحشی‌گری‌های «رهبر کبیرانقلاب» حمایت می‌کنند!

راه دور نمی‌رویم! پیش از پیروزی «مردم» کذا در بهمن‌ماه ۱۳۵۷، تحلیل داس‌الله چه بود؟ زیر علم

خمینی سینه بزنییم تا «مردم» پیروز شوند، بعد آخوندها با یک «خیزش مردم» به حاشیه رانده می‌شوند! آیا شما همین مزخرفات را به هم نمی‌بافتید سپیده‌جان؟ چرا! آنروزها اوضاع چگونه بود؟ دولت بختیار آماده برگزاری رفراندوم برای تغییر حکومت از سلطنت به جمهوری بود، سوسیال دموکراسی شاپور بختیار از «جمهوری اسلامی» رهبر آخوندتان «چپ ستیزتر» بود؟ نه! پس اشکال شما «چپ‌نماها»، که البته به گزاف خود را «مارکسیست» هم جا زده‌اید چه بود؟ ترس از برقراری یک حکومت قانونی، و خروج جامعه از سیطره سرکوب فاشیستی حاکمیت!

بله اشکال اصلی همینجاست! اشکال سرکار و همپالکی‌هایتان همچون «امام‌الله» که امروز تشیت رسوائی‌اش حتی از بام بنی‌صدر هم به زمین افتاده، «زورپرستی» و انسان‌ستیزی است. در نتیجه به محض تضعیف قدرت سرکوب حکومت در ایران خواهان «پیروزی مردم» و خط توحش می‌شوید تا همچون دوران امام «روشن‌ضمیر»، با شکار جوانان و سرکوب ملت ایران «عدالت علوی» برقرار شود. بی‌پرده بگوئیم سرکار و دیگر رفقا در به در به دنبال یک «پدر قدرتمند» می‌گردید تا منافع خداوند را در لندن و واشنگتن تأمین کند. همین شما بینوایان نبودید که تظاهرات زنان را بر علیه حجاب در تاریخ ۸ مارس ۱۹۷۹ محکوم کردید؟ اوضاع را چگونه تحلیل می‌فرمودید؟ در کشور شیلی زنان باعث شدند امپریالیسم بر علیه سالوادور آلنده کودتا کند! خمینی دجال، کودتاچی و جیره‌خوار دربار پهلوی، در تحلیل کورهای مصلحتی جمکران تبدیل شده بود به سالوادور آلنده.

می‌بینیم که این نقش به راستی برآزنده «داس‌الله» هم هست. اما سپیده‌جان! اینبار چه خودتان را به کوری بزنید و چه نزنید، چه تراخم داشته باشید و چه آبله‌مرغان، واقعاً کور خوانده‌اید! دیگر این تحلیل‌های کودکستانی، یا بهتر بگوئیم این دروغ‌های ناشیانه را احدی از دکان مخروبه «چپ‌الله» نخواهد خرید.

چنگ دجال از درون و رنگ ابدال از برون دام دزدان در ضمیر و رمز شاهان در خطاب (مولوی)

بله! آئنده سوسیالیست، با انتخابات قانونی در جایگاه ریاست جمهور شیلی قرار گرفته بود و در چارچوب قانون اساسی این کشور خواستار استقرار عدالت اجتماعی و گسترش حقوق مردم بر پایه سوسیالیسم بود. حال آنکه خمینی مفلوک جز آلت دست استعمار هیچ نبود و استعمار او را برای برقراری «عدالت علوی» با «ایرفرانس» فرستاده بود تهران! کمیته استقبال از ایشان هم با شرکت اوباش و چاقوکشان بازار و حوزه تشکیل شده بود. خلخال آن «زن یهودی» را هم در لندن به عنوان قلاده به گردنش آویزان کرده بودند، و هر شب دست‌های مقدس «وست‌مینیس‌تر» قلاده امام را می‌کشید تا برای رعایت حجاب و شکستن قلم‌ها فتوی صادر کند.

امروز هم در شرایطی کمابیش مشابه قرار داریم. حکومت اسلامی فرسوده شده، شمار طرفداران میرحسین موسوی در سراسر کشور به یک میلیون نفر هم نمی‌رسد، پس لازم است دوباره یک مسابقه بین ملت ایران و نوکران استعمار ترتیب داده شود تا فاشیست‌های چپ‌نما در آن نقش همان «داور کور» را ایفا کنند، و «مردم» کذا در این گیرودار پیروز شوند.

